



## روحانیت شیعه

در قرون اخیر که جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی متعددی در **جهان اسلام** و کشورهای اسلامی روی داده، همواره روحانیون نقش موثری در مبارزات ایفا کرده‌اند، اما در نهضت اسلامی مردم **ایران** که از اوایل دهه چهل آغاز گردید، روحانیت شیعه توانست به تنهایی در راس جریان مبارزات قرار گیرد و آن را مقتدرانه هدایت کند. گذشته از رهبری خاص **حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)** که در گرانگیزه این جریان سیاسی قرار داشت، عناصر سیاسی دیگری از روحانیت نیز به طور گسترده ایفای نقش کرده‌اند و پس از پیروزی **انقلاب اسلامی** و تشکیل نظام اسلامی، به نوعی در پیشبرد **حکومت اسلامی** موثر بوده‌اند.

### فهرست مندرجات

- ۱ - جایگاه طبقه روحانی در نظام اسلامی
- ۲ - ارکان اساسی پیروزی انقلاب
- ۳ - نقش روحانیت در پیروزی انقلاب
- ۴ - حیات سیاسی اجتماعی آیت‌الله بهشتی
  - ۴.۱ - فعالیت‌های اجتماعی
  - ۴.۲ - مبارزات سیاسی شهید بهشتی
- ۵ - روحانیت و تصدی مسئولیت از دیدگاه بهشتی
- ۶ - وظایف روحانیت از منظر شهید بهشتی
  - ۶.۱ - تبلیغ رسالت
  - ۶.۲ - تهذیب اخلاق
  - ۶.۳ - ظلمستیزی روحانیت
  - ۶.۴ - تأثیر رهبری امام بر وظایف روحانیت
- ۷ - آسیب‌شناسی روحانیت از دیدگاه بهشتی
  - ۷.۱ - پیکساز روحانیت از عناصر منحرف
  - ۷.۲ - حضور قوی رهبری دینی در اداره جامعه
- ۸ - پانویس
- ۹ - منبع

### جایگاه طبقه روحانی در نظام اسلامی

در این میان، موضوع مهم جایگاه و منزلت طبقه روحانی در نظام اسلامی از جمله مسائلی بود، که از همان سال‌های آغازین تشکیل نظام، مورد توجه قرار داشته است. در این مقاله سعی شده نظرات و اندیشه‌های **شهید بهشتی**، که خود از برترین شخصیت‌های روحانی انقلاب اسلامی بوده‌اند، طرح و مورد بررسی قرار گیرد. نقش روحانیت در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی غیر قابل انکار است. روحانیون شیعه بر خلاف **روحانیان اهل سنت** توانستند با کسب قدرتی ویژه، نقشی حساس و مهم، در حرکت‌های سیاسی اجتماعی یک **قرن** اخیر و در تحولات خاورمیانه از جمله در **فلسطین**، **لبنان**، **ایران** و **عراق** امروز ایفا نمایند. هر زمان روحانیان شیعه ایران با قدرت سیاسی حکم به مبارزه پرداخته‌اند، **قدرت سیاسی** نبرد را بلخته است. قدرت روحانیان به دلیل پایگاه اجتماعی و معنوی آنان در میان توده مردم، قابل **قیل** و برابری با قدرت رهبران سیاسی غیرمذهبی نیست و همین امر موجب برانگیختن رشک و **حسد** سیاستمداران به آنها شده است و در عین نیازی که به آنها داشته‌اند. هر زمان که توانسته‌اند، از حذف آنها و خیانت به آنها دریغ نکرده‌اند. همین قدرت و نفوذ روحانیت شیعه در میان توده مردم باعث شد که دشمنان روحانیت شیعه بعد از ورود **آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم** به عراق، او را **تُرور** و از صحنه تحولات سیاسی و اجتماعی عراق حذف کردند. در ایران نیز روحانیت همواره با مردم بوده و با آنها زندگی کرده است. این امر موجب پیوند و ارتباط عمیق میان ملت و روحانیت شده است. سرانجام این پیوند و حضور قدرتمند و موثر ایدئولوژی اسلامی موجب وقوع انقلاب اسلامی شده است. همین پیوند نیز این انقلاب را از سال ۱۳۵۷ تا به امروز، حفظ و پایه‌های آن را تحکیم کرده است. هر چند تلاش‌هایی در سال‌های اخیر به عمل آمده است تا با جدا کردن روحانیت از زندگی با مردم و ایجاد فاصله میان آنها، بحران اعتماد و بدبینی را میان روحانیت و مردم ایجاد کنند و به اهداف خود که همان تضعیف پایگاه روحانیت در میان ملت و نیز ضربه به انقلاب اسلامی است دست یابند.

### ارکان اساسی پیروزی انقلاب

سه رکن اساسی در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشت. رهبری، یکی از این سه عنصر مهم در پیروزی این انقلاب اسلامی به عهده حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) بود. ایشان از متن روحانیت برخاسته بود. پایگاه وسیع اجتماعی و سیاسی حضرت امام راحل در میان توده مردم غیر قابل انکار است. در کنار رهبری قدرتمند و متنفذ سیاسی و معنوی، روحانیت نیز نقش بسیار مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی داشته است. در قرن اخیر، رهبران ملی ایران که عموماً لیبرال بودند، هم به این نتیجه رسیدند که بدون حمایت روحانیان و علما نمی‌توان با توده‌های مردم ارتباط برقرار نمود و آنها را به حرکت درآورد. لذا با آنها نوعی تفاهم تاکتیکی برقرار کردند تا شاید روحانیان، توده‌های مردم را در جهت نیل به

اهداف ملی، تحریک و فعال نمایند.

[1] محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، ص ۱۰۷، تهران: دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۸۰.

**نهضت مشروطه و ملی‌شدن صنعت نفت** از جمله مواردی بود که روحانیان نقش رهبری مردم را در آنها بر عهده داشتند، اما رهبران غیرروحانی و لیبرال‌ها تنها میوه چینان آن جنبش‌ها بوده‌اند. از طرف دیگر روحانیان برای رژیم‌های سیاسی از همه مخالفین دیگر خطرناک‌تر بوده‌اند، زیرا آن‌ها کمتر اهل سازش و تسلیم بودند و نه تنها با زد و بندهای سیاسی آشنایی نداشتند، بلکه اصولاً در مفهوم و معنای ماکیاولی سیاست، تربیت نیافته بودند و اگر هم وارد میدان سیاست می‌شدند، صرفاً به این دلیل بود که ملت و **مذهب** را در خطر می‌دیدند.

در سیستم روحانیت ایران، سلسله مراتب رسمی وجود ندارد و بر خلاف سیستم‌های متمرکز سیاسی مانند احزاب، رابطه خشک مافوق و مادون بر آن **حکومت** نمی‌کند، بلکه صرفاً رابطه‌ای قلبی و معنوی بر اساس **اجتهاد** و **تقلید**، گروه‌های اجتماعی را با روحانیان و در نهایت با رهبران مذهبی در چارچوب مکتب پیوند می‌دهد. در این سیستم، اطاعت کورکورانه و اجبار، مفهومی ندارد. مکانیسم عضوگیری مطرح نیست و ورود به گروه‌های فعال، شرایط و ویژگی‌های خاص لازم ندارد. تنها قبول اهداف و چارچوب کلی مبارزه برای مشارکت در حرکت‌های سیاسی مذهبی مردم کفایت می‌نماید و از میان همین روحانیان است که رهبران مذهبی سیاسی بزرگی همچون امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) ظهور می‌کنند.

«رایت گرام» در رابطه با نقش روحانیت و **مسجد** در مبارزه مردم ایران چنین می‌نویسد:

«واقعیت امر این است که روحانیت در میان مردم زندگی نموده و ارتباط بسیار نزدیک تری با آنها داشته است و نتیجتاً از احساسات توده‌ها آگاهی بیشتر دارد. مسجد جزء لاینفک زندگی توده‌های مردم و **بازار** است و بازار، مرکز زندگی عادی مردم. زمانی که روحانیت با سیاست‌های دولت مخالفت می‌کند، نظرات آنها دارای چنان مشروعبیتی است که حتی در سخت‌ترین شرایط استبدادی نیز مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر شبکه ارتباطی روحانیت و سیستم مسجد، قدرت تملک با همه اقشار مردم را برای آنها فراهم می‌کند».

[2] محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، ص ۱۰۷، تهران: دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۸۰.

امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) با مطالعه و **تجربه** نهضت مشروطه و ملی شدن صنعت نفت، وقتی رهبری را به دست گرفت، اجازه نداد دیگران از جمله لیبرال‌ها، در رهبری و بهره‌برداری از ثمره مبارزات مردم شریک شوند. او از ابتدا هدف خود را نه در پیروزی و تحقق خواسته‌های خود و مردم، بلکه در اجرا و ادای **تکلیف شرعی** قرار داد. امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) با توجه به پایگاه روحانیت در میان مردم و تکیه بر شعارها و معیارهای روشن اسلامی و قطعیت خاص خود، تاکتیک‌های لازم را برای رسیدن به یک جامعه ایده آل اسلامی به کار گرفت و سرانجام نیز موجب پیروزی انقلاب اسلامی شد.

## نقش روحانیت در پیروزی انقلاب

**شهید بهشتی** درباره روحانیت و معیار ارزشی که برای روحانیت در نظر داشتند فرمایشات گرانمایه متعددی از خود به جا گذاشته‌اند ایشان در جایی بیان کرده‌اند: «در فرهنگ ما، روحانیت یعنی علما، صاحب علم و **تقوا** که توانایی الگو بودن در اندیشه اصیل و عمل اسلامی برای **جامعه** را داشته باشد»، یعنی اگر یک روحانی علم نداشته باشد یا اهل علم نباشد و توانایی این را نداشته باشد که الگو برای اندیشه اصیل و عمل اسلامی برای جامعه باشد. این آن روحانی مطلوب نیست. روحانی آن کسی است که در اندیشه و عمل و تعهد بتواند برای مردم الگوی اندیشه و عمل باشد.

جمله دیگر ایشان این است «روحانیت در برخورد با مسائل و افکار گوناگون اجتماعی و صاحبان اندیشه‌ها دو گونه برخورد باید داشته باشند، جذب و دافعه، این جذب و دافعه دقیقاً باید به جای خودش به کار رود و کسانی که فقط نفع می‌کنند، اینها خیلی کج سلیقه هستند و همانطور کسانی که همه را جذب می‌کنند، آنها کسانی هستند که التقاطی فکر می‌کنند. **اسلام**، خود مکتبی است که دارای هر دو بعد جذب و دافعه می‌باشد، انذار دارد، تیشیر هم دارد.

[3] آشنایی با افکار و اندیشه‌های شهید مظلوم بهشتی، شماره ۸۰، ص ۳۳، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.

شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی همچنین درباره نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی معتقد بودند که در دوران انقلاب اسلامی و در دوران ممتد بین **سال ۱۳۴۱** تا حال، به تدریج روحانیون وارد میدان شده‌اند، عده‌ای پیش‌تاز بودند و زودتر وارد شدند. عده‌ای به دنبال آنها وارد شدند و در سال ۱۳۵۷ هم بیشتر مسلحان ما پایگاه رزم و نبرد بود. مردم آنجا دور هم جمع می‌شدند. روحانی و روحانیت دوشادوش مردم کار و حرکت و فعالیت داشت. در سال ۱۳۵۷ به خصوص از **ماه رمضان** به بعد حضور روحانیون با مردم در صحنه‌های نبرد روز به روز گسترده می‌شود.

[4] او به تنهایی یک امت بود، ص ۳۰۲، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.

## حیات سیاسی اجتماعی آیت‌الله بهشتی

شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی در سال ۱۳۰۷ در یکی از خانواده‌های اصیل روحانی **اصفهان** به دنیا آمد. دوران کودکی ایشان همراه با تحولات سیاسی اجتماعی آغاز سلطنت **رضاخان** سپری شد و دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه ایشان با موجی از گرایش‌های فکری گوناگون که در آن روزگار جامعه ایران را در بر گرفته بود هم‌زمان بود. در سال‌های ۱۳۲۵ به بعد که سال‌های اقامت شهید بهشتی در **قم** و ادامه تحصیلات اسلامی در **حوزه علمیه** بود. رواج افکار ماتریالیستی در سراسر کشور در حال اوجگیری بود. هم‌زمان با این رویداد، مبارزات روحانیت به رهبری مرحوم **آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی** علیه دربار **محمد رضا پهلوی** در حال شکل گرفتن بود. در آن زمن، **حوزه علمیه قم** عهدمدار مبارزات علمی و فکری علیه موج افکار مادی و الحادی بود و روحانیونی که در خارج حوزه بودند، به رهبری مرحوم آیت‌الله کاشانی، رسالت مبارزات سیاسی علیه دربار پهلوی را بردوش می‌کشیدند.

شهید مظلوم بهشتی از افراد معدودی بود که از یک سو در حوزه علمیه قم با علامه **فقیه آیت‌الله سیدمحمدحسین طباطبائی**، فیلسوف بزرگ و مفسر کبیر **قرآن** (که اقدام به تاسیس مجمعی از شاگردان مبرز خود جهت تحقیق در مکتب‌های فکری و تدوین افکار فلسفی و اعتقادی خود نموده بود) به کار مبارزه علمی و فکری علیه موج انکار مادی و الحادی مشغول بود و از سوی دیگر عملاً در میدان مبارزات سیاسی علیه دربار پهلوی حضور داشت.

علاوه بر این، او و باران و همفکرانش این تجربه را در میدان مبارزات سیاسی به دست آورده بودند که مسلمان‌ها هرگز در مبارزات خود بدون اتکا به روحانیت به پیروزی نخواهند رسید و روحانیت نیز اگر به تربیت نیروهای کارآمد فکری و سیاسی نپردازد و صرفاً به آن دسته از مبارزان سیاسی که در دانشگاه‌های غرب و شرق و یا حتی دانشگاه‌های داخل کشور تربیت شده و بنیاد فکر سیاسی و مبارزاتی‌شان عموماً با تعالیم اصیل مذهبی فاصله دارد اعتماد کند، همواره در آخرین و حساسترین لحظات با خیانت و یا انحراف آنها مواجه خواهد شد و بدین ترتیب هیچ مبارزه‌ای به پیروزی نهای نخواهد رسید.

[5] جاودانه تاریخ، شماره ۸، ص ۴۳، تهران، انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.

## فعالیت‌های اجتماعی

شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی، فعالیت‌های اجتماعی خود را از دوران جوانی و بیشتر در قالب خدمت فرهنگی و مبارزاتی آغاز کرد. او همواره از جدایی دو قشر تحصیل کرده جامعه یعنی تحصیل کرده‌های حوزه‌های علمیه و تحصیل کرده‌های مدارس جدید و دانشگاه به شدت رنج می‌برد. از این رو برای پیوند و نزدیکی میان این دو قشر تلاش زیادی کرد. به همین

منظور هم او دبیرستانی در قم تاسیس کرد. نام آن را نیز «دبیرستان دین و دانش» گذاشت. تلاش‌های پرثمر شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی برای خنثی کردن توطئه دور نگهداشتن افکار روحانیت از اجتماع، بعدها در شکل‌های گوناگون ادامه یافت. از جمله تاسیس مدرسه رفاه در **تهران**، تاسیس جلسات فرهنگی مذهبی و تشکیل هسته‌های برای تدوین کتاب‌های درسی به کمک **شهید حجت‌الاسلام باهنر** که از گام‌های بسیار موثر در جهت رسوخ افکار عمیق مذهبی در **دین** دانش آموزان و تربیت فکری آنان برای مبارزه علیه رژیم منحوس پهلوی به شمار می‌آید.

## ← مبارزات سیاسی شهید بهشتی

دوران مبارزات سیاسی شهید بهشتی از زمان نهضت آیت‌الله کاشانی آغاز شد. شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی که در سال ۱۳۴۱ به فرمان امام خمینی به عضویت شورای روحانیت جمعیت‌های مولفه اسلامی در آمده بود تا به کمک دیگر روحانیون عضو این شورا رهبری فکری جمعیت یاد شده را عهده دار باشد. اعدام انقلابی **حسنعلی منصور**، نخست وزیر شاه خائن، که توسط شاخه نظامی جمعیت‌های مولفه اسلامی صورت گرفت، از جمله اقداماتی بود که به امضا و تایید شهید بهشتی و **شهید مطهری** در همین دوران انجام شد. شهید بهشتی پس از عزیمت به **آلمان** در سال ۱۳۴۴، اقدام به تاسیس اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در **اروپا** کرد که این اتحادیه منشا مبارزات دانشجویی علیه رژیم مزدور پهلوی در خارج از کشور شد و هم اکنون نیز مبارزات خود را علیه استکبار جهانی همچنان ادامه می‌دهد. آیت‌الله بهشتی پس از بازگشت به تهران، از اصلی‌ترین عناصر روحانیت در سازماندهی تظاهرات و راهپیمایی‌های میلیون‌ها در سال ۵۶ و ۵۷ بود. او در تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ و با سخنرانی بسیار مهم خود در خیابان و میدان آزادی و اعلام خلع شاه از **سلطنت**، فصل جدیدی در مبارزات علیه دربار منحوس پهلوی گشود. پس از رخ نمودن همین تحول بود که شاه مزدور تصمیم به فرار گرفت و سرانجام مبارزات مردم با رهبری حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. لازم به یادآوری است که شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی در فاصله سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ سه بار توسط **سواک** دستگیر و به **زندان** افکنده شد که آخرین آن روزهای **دهه اول محرم** ۱۳۵۷ بود. بدین ترتیب، شهید مظلوم بهشتی در میل یاران امام از اساسی‌ترین خدمت‌ها را نسبت به انقلاب اسلامی صورت داده است.

## روحانیت و تصدی مسئولیت از دیدگاه بهشتی

آیت‌الله شهید بهشتی ضمن اشاره به نقش و حضور روحانیت در شکل‌گیری و پیروزی **انقلاب اسلامی** و همکاری نزدیک و تنگاتنگ میان مردم و روحانیت در شکل‌گیری و پیروزی این انقلاب، معتقد بودند: «تصدی مسئولیت از سوی روحانیت در جمهوری اسلامی یک وظیفه‌ای است که حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) بر دوش این قشر نهادند و خواستار انجام آن از سوی روحانیت به بهترین وجه ممکن شدند.» شهید بهشتی در همین ارتباط می‌گوید: «تیرماه ۵۸ بود که ۶ یا ۷ ماه از تشکیل و پیروزی انقلاب می‌گذشت، خدمت امام عرض کردم، مسئولیت‌های فراوانی به دوش ماها بوده و اگر اجازه بدهید فعلا کارها دارد راه می‌افتد ما برویم سراغ آن مسئولیت‌ها، امام فرمودند نه، شما و دوستانتان حتما باید بمانید و حضور داشته باشید، وظیفه بود. امروز هر روحانی در صحنه اداره کشور حضور دارد، با احساس و وظیفه حضور دارد.» [۱]

[۱] جاودانه تاریخ «آشنایی با افکار و اندیشه‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی»، شماره ۵، ص ۵۳، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.

## وظایف روحانیت از منظر شهید بهشتی

آیت‌الله شهید بهشتی با اشاره به شلن و تکلیف روحانی و روحانیت در نظام جمهوری اسلامی، مهمترین وظیفه این قشر را خدمت به مردم و گره گشایی از کار مردم دانسته‌اند. ایشان همچنین اظهار می‌کردند که «این مسئله یک موضوع صنفی نیست، بلکه یک مسئله بنیادی در رابطه با جامعه اسلامی ما است روحانیت یک سلسله وظایف و نقش‌های دیرینه داشته است. اول اینکه روحانیت همواره نقش بین اسلام اصیل را برای **جامعه** بر عهده داشته است. اگر مردم می‌خواستند ببینند دین‌شان، اسلام‌شان، قرآن‌شان، کتاب‌شان، سنت‌شان درباره عقاید اسلامی و احکام اسلامی و اخلاق اسلامی چه گفته به روحانی مراجعه می‌کردند.

## ← تبلیغ رسالت

روحانیون کم حرکت‌تر، آنها بودند که در ایفای این وظیفه می‌نشستند تا مردم به آنها مراجعه کنند روحانیون پر حرکت‌تر و مسئولیت‌شناس‌تر آنها بودند که به سمت مردم می‌رفتند تا رسالت **خداوند** را تبلیغ کنند، ولی به هر حال وظیفه بیان اسلام در درجه اول بر عهده روحانیت بود و نیز وظیفه تحقیق درباره اسلام و اسلام‌شناسی، مجتهد، صاحب‌نظر، مرجع کسانی که صلاحیت مرجعیت در زمینه مسائل اسلامی را داشته باشند این‌ها در درجه اول باید از حوزه‌های علوم اسلامی و از حوزه‌های روحانیت بیرون بیایند، آنجا بایستی نشو و نما کنند، ساخته شوند، بزرگ شوند، شناخته شوند.» [۲]

[۲] جاودانه تاریخ، شماره ۷، ص ۱۳۳، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.

بنابراین، وظیفه تحقیق درباره اسلام بر عهده روحانیت است و این کار از قشر دیگری، به نحو مطلوب، ساخته نیست.

## ← تهذیب اخلاق

موضوع بعدی، تهذیب اخلاق است که شهید بهشتی از آن به عنوان وظیفه دیگر روحانیت یاد کرده است: «روحانیت نقش عمده‌اش را در این می‌دید که با سخنش با بیانش، با رفتارش، با معاشرتش، با هدایتش، با تذکرش مردم را به **اخلاق** پاک دعوت کند. اخلاق جامعه را مهنه کند، جامعه را از آلودگی‌ها دور کند و به کمالات اخلاقی بیاراید. این نقش از وظایف و کارکردهای مهم روحانیت بود.» [۳]

[۳] جاودانه تاریخ، شماره ۷، ص ۱۳۴، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.

در ادامه ایشان به کارکردهایی دیگر روحانیت، یعنی روشن‌گری در جامعه و مبارزه علیه رژیم ظالم و طاغوت، اشاره کرده‌اند: «کارکرد دیگر روحانیت، روشن‌گری برای مردم بود در جهت شناساندن انحرافت فکری که بنام اسلام تحویل مردم داده می‌شود. روحانیون در بیدار کردن مردم نسبت به افکار انحرافی نقش بسیار موثری داشته‌اند. به مردم می‌گفتند که آنچه مایه نجلت است اسلام اصیل است نه اسلام آمیخته به غیر اسلام.»

## ← ظلم‌ستیزی روحانیت

ایشان سپس به ظلم‌ستیزی روحانیت اشاره کرده‌اند:

«از وظایف و نقش روحانیت مبارزه با **ظلم** و ظالم است. تا وقتی که اصل رژیم، رژیم ظلم و ضد اسلام و ضد عدل بود، روحانیت با کل رژیم یا با ایدئولوژی رژیم در مناطق خوش می‌جنگید و مبارزه می‌کرد، حالا هم که اصل نظام، نظام اسلامی است اما هنوز ایدئولوژی، ابزارش، کارکنانش، همه متناسب با نظام اسلامی نیستند؛ روحانیت هر جا ظلم و ستمی از این بازمانده‌های طاغوت در اداره‌ها و موسسات و در جامعه ببیند همچنان با او می‌جنگد و می‌رزد. اینها امتیاز نقش روحانی بوده است در گذشته تا سال ۱۳۴۱ نقش روحانیت در همین‌هایی که عرض کردم خلاصه می‌شد به اضافه تحصیل و تدریس در حوزه‌ها»  
[۹] جاودانه تاریخ، شماره ۷، ص ۱۳۹، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.

#### ← تأثیر رهبری امام بر وظایف روحانیت

دکتر بهشتی همچنین از رهبری دینی و سیاسی **امام خمینی (رحمةالله‌علیه)** و تأثیر گسترده آن بر قلم و وظایف و مسئولیت‌های روحانیت یاد کرده‌اند:

«سال ۱۳۴۱ یک روحانی برجسته آمد و نقطه عطفی در نقش و کارکرد روحانیت به وجود آورد. تا آن موقع روحانیون به دو بخش تقسیم می‌شدند یک عده روحانیونی بودند که در سیاست وارد بودند و یک عده هم از سیاست پرهیز می‌کردند.

اما از سال ۱۳۴۱، حضرت امام (رحمةالله‌علیه) با ققاهنتش، علمش، اخلاقتش، مذهب بودنش، مکارم و ارزش‌های والايش، عدالتش به خاطر و یادبود نامطلوب دوره انحطاط و اعتزال روحانیت از ایفای نقش در **سیاست** پایان داد. از این مقطع به بعد نقش و حضور روحانیت در جامعه و سیاست پررنگ‌تر شد. امام آمد و گفت روحانی باید مرد سیاست و مبارزه باشد. این وضعیت و نقش پررنگ‌تر شد و حلقه ارتباطی میان مردم و روحانیت تقویت شد. روحانیت در متن جامعه وارد شد. ورود روحانیت به متن جامعه تا انقلاب اسلامی ادامه یافت و از این مقطع به بعد نیز روند تکاملی و سیر صعودی خود را طی نمود»

[۱۰] جاودانه تاریخ، شماره ۷، ص ۱۳۹، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.

از این رو و بر اساس دیدگاه شهید بهشتی، وظایف و کارکرد روحانیت از فردای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز متعدد و متنوع گشت و روحانیت در امر قضا، سیاست، امور فرهنگی و حتی اقتصادی وارد شد و خود در خدمت انقلاب اسلامی و اهداف والای آن قرار داد.

#### آسیب‌شناسی روحانیت از دیدگاه بهشتی

پیوند میان روحانیت و مردم و نزدیکی میان این دو، نقش بسیار مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن داشته است. آنچه که روحانیت را امروز آسیب‌پذیر می‌کند و موجب کاهش توان و کم‌رنگ کردن نقش آن در اجتماع و امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور خواهد شد، ایجاد فاصله میان روحانیت و مردم و دوری این قشر از توده مردم است. **شهید بهشتی** همواره بر این مطلب تأکید می‌کردند:

«دشمن برای حذف روحانیت از صحنه و بازگرداندن آن به انجام وظایف گذشته و قبل از سال ۱۳۴۱ و پیروزی انقلاب اسلامی، سعی دارد تا بین روحانیت و مردم فاصله ایجاد کند و ضمن ایجاد سو تفاهمت و بدبینی در بین مردم نسبت به روحانیت و ایجاد بحران اعتماد میان این دو به هدف خود، یعنی حذف روحانیت در امور سیاسی و در متن جامعه اسلامی، دست یابد. در این راستا، توطئه علیه **روحانیت** آغاز شده است؛ توطئه‌ای که میان مردم و روحانیت بار دیگر فاصله بیفتد همان قصدی که زمان رضاخان بود می‌خواهد تکرار کند. زمان رضاخان کار را به جانی رسانده بودند که روحانی اگر سید بود به احترام سیادتش ممکن بود در ماشین سوارش بکنند، اگر سید نبود سوار ماشین نمی‌کردند و می‌گفتند که شوم است. همان سیاست شوم را الان دارند تکرار می‌کنند»

[۱۱] او به تنهایی یک امت بود، ص ۳۰۸، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.

#### ← پاسسازی روحانیت از عنصر منحرف

ایشان سپس به پاسسازی روحانیت از عناصر منحرف اشاره کرده‌اند:

«در لباس روحانیت عناصر ناصالح وجود دارند. باید به دست خود روحانیت حساب اینها روشن شود و کنار زده شوند. آسیب دیگر بحث جدایی **دین** از سیاست است. با طرح موضوع جدایی دین از سیاست بیگانگان تلاش دارند تا روحانیت را از صحنه اداره جامعه و سیاست غایب سازند. هدف از دور ساختن روحانیت از صحنه سیاست این است که کارهایشان را بکنند»

بیگانگان برای رسیدن به این هدف، بحران ناکارآمدی مدیریت دینی را در جامعه **تبلیغ** می‌کنند و سعی در القای این موضوع دارند که مدیریت دینی توان پاسخگویی به خواست‌ها و مطالبات مردم و حل مشکلات ملت را ندارد.

بینش مدیریت دینی از یک سو مدیریت و رهبری افراد آشنا به مکتب را در نظر دارد و از سوی دیگر مشارکت همه مردم در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز و پیمودن مسیر تکامل را برای افراد و جامعه تضمین می‌کند. بینشی که مورد قبول و تأکید شهید بهشتی است و ایشان فلسفه اعتقاد به چنین بینشی را در تعریفی که از جامعه اسلامی دارند بیان می‌کنند. از نظر شهید بهشتی «جامعه اسلامی، جامعه انسان مدنیت یافته، انسان شکل گرفته، انسان هدایت شده، نظام هدایت شده و نظام همراه با نقش تعیین کننده و **حکومت** آگاه عادل» است.

[۱۲] بهشتی، سیدمحمدحسین، ربا در اسلام، ص ۶۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹.

#### ← حضور قوی رهبری دینی در اداره جامعه

محور مهم دیگری که از راه‌های تامین هدف متعالی و نهایی مدیریت و رهبری دینی و مورد تأکید شهید بهشتی است، رابطه میان مدیریت و ارزش‌ها است. شهید بهشتی با قاطعیت تأکید می‌کند که حضور قوی مدیریت و رهبری دینی در اداره جامعه و کنترل همه جانبه آن، تنها راه جلوگیری از وارد شدن ضربه بر ارزش‌ها و زیان‌های ناشی از آن است. مهم‌تر آنکه شهید بهشتی، عدالت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را از عدالت اخلاقی و معنوی جدا نمی‌داند و معتقد است تا عدالت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی تحقق نیابد نمی‌توان انتظار تبلور ارزش‌ها و تجلی معنویت و اخلاق در رفتار مردم و روابط اجتماعی را داشت.

[۱۳] بهشتی، سیدمحمدحسین، نقش انبیا و پیامبران در هدایت و عدالت، ص ۱۴، مجموعه گفتارهای شهید مظلوم بهشتی، تهران، انتشارات ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر، ۱۳۶۲.

اما امروز تلاش‌هایی برای ناکارآمد جلوه دادن مدیریت دینی در حال انجام است. این تلاش‌ها با هدف ترویج بدبینی نسبت به روحانیت و حذف آن از تحولات جامعه صورت می‌گیرد. این آسیبی است که باید آن را شناخت و در رفع آن کوشید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اعلام سال ۱۳۸۷ به عنوان سال شکوفایی و نوآوری، قوای سه‌گانه نظام و همه دستگاه‌ها، نهادهای مسئول و خصوصاً جامعه تبلیغی روحانیون را با تلاش صورت گرفته از سوی بیگانگان برای ناکارآمد جلوه دادن مدیریت دینی در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور آگاه و بیدار ساختند. این مساله را همه دستگاه‌ها و نهادهای

مسئول باید جدی بگیرند و خدمت به مردم و پاسخگویی به مطالبات مشروع مردم را در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... را در صدر برنامه‌ها و اولویت‌های کاری خود قرار دهند و به این ترتیب، در عمل نشان دهند که **دین اسلام** و رهبری دینی و ایندولوژی اسلامی می‌تواند به خوبی از عهده مدیریت و اداره جامعه برآید.

#### پانویس

۱. [↑](#) محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، ص ۱۰۷، تهران: دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۸۰.
۲. [↑](#) محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، ص ۱۰۷، تهران: دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۸۰.
۳. [↑](#) آشنایی با افکار و اندیشه‌های شهید مظلوم بهشتی، شماره ۸۰، ص ۳۳، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.
۴. [↑](#) او به تنهایی یک امت بود، ص ۳۰۲، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.
۵. [↑](#) جاودانه تاریخ، شماره ۸، ص ۴۳، تهران، انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.
۶. [↑](#) جاودانه تاریخ «آشنایی با افکار و اندیشه‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی»، شماره ۵، ص ۵۳، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.
۷. [↑](#) جاودانه تاریخ، شماره ۷، ص ۱۳۳، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.
۸. [↑](#) جاودانه تاریخ، شماره ۷، ص ۱۳۴، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.
۹. [↑](#) جاودانه تاریخ، شماره ۷، ص ۱۳۹، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۰. [↑](#) جاودانه تاریخ، شماره ۷، ص ۱۳۹، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۱. [↑](#) او به تنهایی یک امت بود، ص ۳۰۸، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.
۱۲. [↑](#) بهشتی، سیدمحمدحسین، ربا در اسلام، ص ۶۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۳. [↑](#) بهشتی، سیدمحمدحسین، نقش انبیا و پیامبران در هدایت و عدالت، ص ۱۴، مجموعه گفتارهای شهید مظلوم بهشتی، تهران، انتشارات ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر، ۱۳۶۲.

#### منبع

[سایت سازمان تبلیغات اسلامی، برگرفته از مقاله «جایگاه روحانیت در نظام اسلامی از منظر شهید بهشتی»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۰۶/۰۷.](#)